

زنان از قانون اسلامی خانواده بیزارند

متفاوتی دارند: زن حق دارد قبل از وصول مهریه، از زندگی مشترک سرباز زند، حق دارد از شوهرش بخواهد زندگی او را تامین کند (نفقه) و حق کنترل اموال و دارائی های خود را دارد. مرد حق سرپرستی و سلطه بر خانواده را دارد، حق دارد محل زندگی خانواده را تعیین کند، از زن در ازا نفقه، اطاعت و تمکین بخواهد و فعالیت های او در خارج از خانه را کنترل کند، همزمان چهار ازدواج دائمی و بی نهایت صیغه داشته باشد و حق طلاق هم به مرد تعلق دارد. علاوه بر این اشتغال مرد در بیرون خانه و موقعیت قانونی او بعنوان سرپرست و نان آور خانواده موقعیت به مراتب ممتازتری را به او می دهد. قانون سرپرستی کودکان در کشورهای خاورمیانه یکسان است. پدر یا جد پدری سرپرست قانونی کودک هستند. مادر مدت محدودی حق سرپرستی کودکان را دارد، فرزند دختر را مدتی بیشتر و فرزند پسر را کمتر. علیرغم تحصیل و اشتغال

صفحه ۲

حق اسلامی طلاق مردان یا تعدد زوجات قائل شده اند اما اساس قوانین ازدواج، طلاق، سرپرستی فرزندان، ارث و حق سفر و اشتغال زنان، اسلامی و مردسالارانه باقی مانده اند. اسلام سیاسی و حکومت هایی مانند جمهوری اسلامی در ایران، رژیم اسلامی سودان و طالبان در افغانستان، امروز این قانون را که سنگ بنای ستمگشی زنان در منطقه است را حفظ می کنند و با اسلامیزه کردن ساختارها و نهادهای اجتماعی همان تغییرات کوچک را هم لغو و عقبگرد شدیدی بر این جوامع تحمیل کرده اند. در سایر کشورها هم گروه های اسلامی اپوزیسیون برای اسلامی کردن بیشتر این قوانین و ستم بیشتر بر زنان تلاش کرده اند.

بر قانون اسلامی خانواده (شریعت) قرار داد خرید و فروش حاکم است. بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی، زن و مرد اختیارات، حقوق و مسئولیتهای

منطقه خاورمیانه و سایر کشورهای اسلام زده چه شیعه و چه سنی، میلیونها زن اسیر بیحقوقی در قوانین اسلامی خانواده و مردسالاری حاکم هستند. نفرت و انزجار زنان از این قوانین، وسیع و توده ای است و لغو قانون اسلامی خانواده به رکن مهمی در تامین حقوق مدنی زنان و به یکی از گرگاهای تحول در موقعیت آنها در این جوامع تبدیل شده است.

در کشورهای منطقه خاورمیانه قانون خانواده و مناسبات زن و مرد همواره و تاکنون تحت تاثیر شریعت اسلام قرار داشته است. با وجود اینکه بسیاری از قوانین به دلیل ضرورتها و نیازهای جدید اجتماعی و تغییر ساختارهای سیاسی و اقتصادی جامعه تغییر کرده اند، قانون خانواده و حقوق مدنی زنان همچنان دست نخورده باقی مانده اند. در برخی از کشورها محدودیت های کوچکی روی



اعظم کم گویان

azam_kamguian@yahoo.com

در ماه ژوئن امسال در کردستان عراق در شهر اربیل حزب دمکرات کردستان عراق از احزاب حاکم، زیر فشار و مبارزه چند ساله زنان و نیروهای پیشرو و ترقیخواه در چند بند از قانون موسوم به "احوال شخصی" اصلاحاتی بعمل آورد و به تصویب رساند. سال گذشته نیز اتحادیه میهنی در بخش تحت نفوذ خود اقداماتی در همین جهت انجام داد. اصلاحات و تغییرات انجام شده، کوچک و در زمینه طلاق، ازدواج و روابط زن و مرد هستند. در کردستان عراق و ترکیه و ایران و کشورهای

اینها نمایندند مردم نیستند

صفحه ۲

به سیاست اتحادیه میهنی بنگرید!

صفحه ۳

قطعنامه در باره اوضاع افغانستان

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایسکرا

سرمدپیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

0046703688511 :xã¼t

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

جمهوری اسلامی و آموزش جنسی در مدارس!؟

بود. نه خود دختران که خودمدرسه! می خواستند حیاط مدرسه را سر پوشیده کنند. چرا؟ چون شاید از بالکن خانه های اطراف مدارس مردانی دزدکی دیدی بزنند و یا بخاطر اینکه نکند بر حسب اتفاق تویی از دست پسر بچه ای به هوا رود و در حیاط مدرسه دخترانه پائین آیدو پسری از لای در و یا از دیوار مدرسه بالا رود و دخترانی که بازور سرنیزه زیر پارچه سیاهی قرار گرفته اند را ببینند و باعث لذت جنسی و آبروریزی بی آبروی اسلام شود.

صفحه ۲

و غیر اسلامی برقرار کرده بودند؟ چند صد نفر را شلاق زدند و هتک حرمت کردند که آنها "زنا محصنه" مرتکب شده بودند و "شئون اسلامی" را در پوشش و رفتار خود زیر پا گذاشته بودند؟ چند صد نفر را فقط بخاطر اینکه تمایل جنسی خود را بروز داده بودند، مورد اهانت بارترین تحقیرهای اسلامی قرار دادند؟ آخر مگر تحت رژیم اسلامی حتی در دریای آزاد و وسیع پرده برزنتی بین زنان و مردان نکشیدند؟ چند سال صحبت از حجابی کردن مدارس دخترانه

آگاهیهای لازم در مورد مسایل جنسی را در اختیار دانش آموزان دختر و پسر قرار گیرد. چه شده است؟ تحت کدام فشارها قرار گرفته اند که بعد از بیش از بیست سال زن ستیزی و حاکمیت آپارتاید جنسی مقام آموزشی رژیم که برای دختران ۸ ساله جشن تکلیف می گرفتند و کماکان میگیرند، یکهو از لزوم آموزش جنسی در مدارس دم میزنند؟ اسلام و آموزش جنسی!؟

چند صد نفر از مردم را بالای دار بردند و سنگسار کردند بخاطر اینکه، "رابطه نامشروع"



ابوبکر شریفزاده

بگفته رحیم عبادی معاون وزارت آموزش و پرورش رژیم اسلامی قرار است که با آغاز سال تحصیلی جدید برای اولین بار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



رحمان حسین زاده

اینها نماینده مردم نیستند، برعکس نماینده رژیم اند در میان مردم

انتخاب استاندار جدید کردستان بوده است. بنظر شما معنی این استعفاها چیست؟

رحمان حسین زاده - ابتدا بگویم ادعای اینها که گویا "به دلیل بی توجهی دولت به مسائل مردم در کردستان" تهدید به استعفا کرده اند پوچ و

کردستان، استعفا داده‌اند. ظاهراً بهانه این استعفا، در جریان قرار ندادن آنها در خصوص

پستیچی: همانطوریکه در جریان هستید، شش نفر از نمایندگان مجلس اسلامی از استان

این مصاحبه بار اول در شماره ۱۴ نشریه پستیچی به تاریخ نهم اکتبر منتشر شده است. نشریه پستیچی در سوئد منتشر میشود.



اسلامی در هر رنگ و لباسی با هر "اصلاح"ی برای بقای آن از دم مخالفتند. مردم ایران برای جامعه‌ای که دست اسلام از حکومت و آموزش و پرورش و دخالت در زندگی خصوصی مردم در آن ممنوع شده باشد مبارزه میکنند. مردم ایران همراه با ما برای یک جامعه آزاد، برابر و مرفه مبارزه را تا به زیر کشیدن سلطه سیاه رژیم اسلامی ادامه خواهند داد.

جای کسانی که طی بیست سال، بیست سال، نسل کشی کردند، جداسازی کردند و اراذل و اوباش اسلامی و بازجو و شکنجه‌گران اسلامی را به جان مردم انداختند پشت میزهای محاکمه مردمی است. رژیم فاشیستهای اسلامی را به جرم بزرگترین جنایتکاران معاصر و کثیفترین استبداد ضد زن به زیر خواهیم کشید.



که دمکراسی "مدینه‌النبی" را برقرار کنند، پاسدار ژورنالیستها و تحلیلگران سابقا مقام امنیتی آمدند تا برای ادامه سلطه رژیم اسلام و راه امام "راحل" شان شیوه دیگری بیابند. همه این ترفندها و شارلاتانیسم برای "مدرنیته" کردن اسلام نیز به شکست انجامید.

وارد شدن امثال رحیم عابدی به بحث آموزش جنسی ظاهراً اعتراف سران رژیم به شکست آنها در تحمیل رژیم اسلامی بر جامعه‌ای است که مطلقاً اسلامی نیست. و این از آخرین تقلها خواهد بود که حتی نقش عوامفربیانه اطوارهای حواریون رنگارنگ پروژه دخرداد را نیز به سرعت از دست میدهد.

نه حضرات! دیر شده است و بسیار هم دیر شده‌است. حکومت شما را مردم ایران نمی‌خواهند، مردم ایران با ادامه سلطه رژیم

آنهم در مدارس سخن به میان می‌آورند؟ طبعاً برای هرکسی که ماهیت کثیف رژیم اسلامی را شناخته باشد، درک این مساله چندان دشوار نیست. اینها در مقابل ظرفیت آزادیخواهی و برابری طلبی‌ای که در اعماق جامعه ایران ریشه دارد، علیرغم همه کشتارهای شنیع، علیرغم تمام جنایات این دو دهه دارند سپر میاندازند. توجه و نظر لطف جانوران اسلامی به مساله آموزش جنسی وجهی از ناتوانی رژیم در حفظ و بقای خود است. و جالب این است که این نوع اظهارات و موضع‌گیریهای امثال رحیم عابدی، مدتی نیز در هیاهوی جناح دخردادی رژیم و جریانات طرفدار رژیم در اپوزیسیون بازاری پیدا کرد. گفتند و نوشتند که "پریزدنت" خاتمی آمده است تا "مردم" سالاری اسلامی" را پیاده کند،

جمهوری اسلامی و آموزش جنسی در مدارس!؟

ادامه از صفحه ۱

و بربریت اسلامی ۱۴۰۰ سال پیش را بعنوان وجه مشخصه حکومت سیاه خود تعریف نکرده‌اند؟ مگر آثار و عواقب ضد انسانی قوانین و احکام اسلامی را که در آمار وحشتناک خود کشی و خود سوزیها دختران جوان و دختر بچه‌های هشت نه ساله و زنانی که برخلاف میل خود به "خانه بخت" روانه شده‌اند نمی بینیم؟ مگر به گفته و اقرار ژورنالیستهای همین رژیم تعداد بیماران روانی ناشی از خانه نشین کردن زنان و فشار اسلامی برای تحقیر و درهم شکستن شخصیت و حرمت زنان و دختران مدام سیر صعودی نداشته است؟ واقعا باید پرسید چه شده است که سرکردگان و سیاست گذاران این رفتار و قوانین ارتجاعی از لزوم آموزش جنسی

کسانی دارند در اوائل قرن بیست و یکم دم از آموزش جنسی می زنند که گره کراوات را ممنوع کرده چرا چون گره آن به صورت نر و ماده در هم رفته و تحریک کننده است!! در این نظام عینک دودی و پیراهن آستین کوتاه و لباس زیر پوش زنانه را در هر فروشگاهی ممنوع کرده اند. مگر خیل گله‌های آخوند و امام جمعه‌ها و اراذل و اوباش نهی از منکر، مدام با چرخاندن شلاق و قمه و چاقو همراه با نعره الله اکبر، سعی نکرده‌اند که "محرم" و "نامحرم" را در مدرسه و خانه و کوچه و بازار چون نصایح الهی و روایات امامان خود به مقررات ناظر بر رفتار مردم تحمیل کنند؟ مگر طی این بیست و چند سال، توحش

اتوماتیک نام پدر به فرزندان لغو شده و تعیین نام خانوادگی فرزندان به توافق و انتخاب مشترک پدر و مادر واگذار شده. در صورت عدم توافق، کودک از نام خانوادگی مادر برخوردار شود. ستون نام پدر و مادر از شناسنامه و اسناد هویت رسمی (مانند گذرنامه، گواهینامه رانندگی و غیره) از شناسنامه کودکان باید حذف شود. دولت باید از خانواده های تک والدی و بخصوص از اصولاً بدون ازدواج صاحب فرزند شده اند در برابر فشارهای مادی و اخلاقیات ارتجاعی حمایت کند. کلیه قوانین و مقررات عقب مانده و ارتجاعی که به رابطه جنسی زن و مرد با کسانی جز همسر خویش بعنوان جرم برخورد میکنند، باید لغو و طرد شوند.



گری در ازدواج نظیر تعیین شیریه، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط باید لغو گردند. تعدد زوجات و صیغه باید طرد و لغو شوند. زن و مرد باید در خانواده در امر انتخاب محل زندگی، سرپرستی و تعلیم و تربیت فرزندان، تصمیم گیری در مورد داراییها و اقتصاد خانواده و کلیه امور مربوط به زندگی مشترک باید حقوق یکسان داشته باشند. موقعیت ویژه مرد بعنوان سرپرست خانواده در قوانین و مقررات لغو شده و حقوق مربوط به سرپرستی امور خانواده بطور یکسان به زن و مرد داده شود. زن و مرد باید از حق بدون قید و شرط جدایی (طلاق) و تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی برخوردار باشند. زن و مرد در هنگام جدایی نسبت به دارائی ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده، و یا مورد استفاده آن بوده، دارای حقوق برابر باشند. انتقال

اساسی در زندگی مشترک، خانواده، ازدواج و طلاق و حقوق و مسئولیتهای زن و مرد در خانواده و سایر وجوه رابطه زن و مرد برنامه حزب کمونیست کارگری خواهان تامین خواستهای زیر برای زنان است: هر زوج بالای ۱۶ سال حق دارد به میل و انتخاب خود وارد زندگی مشترک بشود. هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک (ازدواج) و جدایی (طلاق) باید طرد و لغو شود. رسمیت یافتن زندگی مشترک از نظر دولت و برخورداری از قوانین مربوط به خانواده، در صورت تمایل طرفین با ثبت آن در دفاتر دولتی تامین شود و هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی زوده شده. ایراد خطبه مذهبی در مراسم دولتی ثبت ازدواج باید لغو گردد. هر نوع معامله

این قوانین به ابتدای قرن بیستم بر می گردد و پس از گذشت یک قرن هنوز هم زنان در چنگال سنت و رسم و قوانین اسلامی، مردسالارانه و زن ستیز اسپرند. در سالهای اخیر مبارزه و تحرک زنان و نیروهای پیشرو برای تغییر این قوانین سرعت بیشتری گرفته و کمیتهای متعددی برای لغو جنبه های مختلف قانون شرعی خانواده مانند طلاق، سن ازدواج دختران، ازدواجهای اجباری، حق سفر، حق رای، تحصیل و اشتغال زنان در کشورهای مختلف منطقه به راه افتاده است. در ایران جنبش سکولاریستی و سرنگونی طلب قدرتمندی جریان دارد که خواهان لغو این قانون و برقراری یک قانون سکولار خانواده است. کسب هر درجه از این قانون در گرو عقب راندن و سرنگونی رژیمهای اسلامی و ارتجاعی حاکم از قبیل جمهوری اسلامی است. برای ایجاد تغییر و تحولات

زنان از قانون اسلامی...

زنان، قانون شریعت، حق آنها را در تحصیل و اشتغال پایمال میکنند. زنان حق تحصیل، اشتغال، سفر و حتی ترک خانه بدون اجازه شوهر را ندارند. در قانون اساسی اغلب این کشورها وظیفه اصلی و مقدم زنان شرعا، عرفا و قانونا مادری و خانه داری است. در اکثر جوامع منطقه، طلاق همچنان اسلامی و دست نخورده مانده است. زن در صورتی میتواند طلاق بگیرد که شوهرش دیوانه باشد، بیماری خطرناکی داشته باشد که ادامه ازدواج را غیرممکن کند، از نظر جنسی ناتوان باشد و یا رفتار بیرحمانه ای با زن داشته باشد. زن برای طلاق گرفتن باید موارد بالا را به دادگاه ثابت کند که این برای بسیاری از زنان جز ناممکن هاست. عمر تلاش و مبارزه برای لغو

به سیاست اتحادیه میهنی بنگرید! دست در گردن تروریست‌ها مانع برگزاری سمینار کمونیست‌ها



ریبار احمد

در چارچوب کمپین فعال و وسیع حزب کمونیست کارگری در محکومیت اقدام تکان دهنده روز ۲۳ سپتامبر در ناحیه اورامان که منجر به قتل بیش از ۴۰ نفر از افراد اتحادیه میهنی به دست چاقوکشان اسلامی شد، برگزاری سمیناری در همین رابطه از جانب محسن کریم عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته رهبری تشکیلات کردستان حزب در روز ۱۲ اکتبر در دستور قرار گرفت.

این سمینار بنا بود در تالار فرهنگی شهر سلیمانیه و تحت عنوان "تروریسم اسلامی و نحوه مقابله با آن" برگزار شود. اجازه اینکار از چند روز قبل از جانب استاندار سلیمانیه بصورت رسمی و کتبی صادر شده بود با اینحال روز ۱۱ اکتبر از طرف "دستگاه امنیت" اتحادیه میهنی مطلع شدیم که: "نباید این سمینار برگزار شود و اجازه قبلی لغو شده است، و حزب کمونیست کارگری غیرقانونی است" وقتی در این رابطه با استاندار مجدداً صحبت شد وی نیز اعلام کرد "از دستش در رفته و نمیبایست اجازه صادر میکرد". لازم به یادآوری است که ۳ روز قبل جلال طالبانی و ملا علی سر دسته باند جنبش متحد اسلامی با حضور نماینده جمهوری ارتجاع اسلامی در قصر شیرین در جلسه ای مشترک بر سر برگرداندن این باند تبهکار به شهر حلبجه و تهدید مردم توسط تروریسم اسلامی به توافق رسیدند.

این دو موضع دو روی یک

سیاست و مکمل همدیگرند. این امر نه تنها زیر پا نهادن خواست توده های مردم کردستان در ریشه کن کردن ارتجاع و تروریسم اسلامی است که در تظاهراتی دهها هزار نفره در خیابانهای سلیمانیه، رانیه و چمچمال نشان دادند، بلکه همزمان جانبداری آشکار از تروریستهای آدمکش و اقدامی علیه آزادیخواهان و مبارزه و اعتراض بر حق توده های مردم می باشد. این امر سرکوب مردم آزادیخواهی است که بر علیه تروریسم و کشتار جمعی اورامان فریاد اعتراض سر داده اند. در این سمینار بنا بود در مورد تهدید تروریسم و چگونگی مقابله با این تهدید برای مردم صحبت شود نه چیز دیگر.

صحبتهای این سمینار حرف دل این دهها هزار انسانی بود که بر ضد جنایت اورامان و تروریستهای اسلامی به خیابانها ریختند. ولی اتحادیه میهنی بدنبال سازش با این آدمکشان و پشت کردن به خواستهای مردم و با محافظت از این جنایتکاران رسالت خفه کردن ندای اعتراض آزادیخواهان را نیز بر دوش گرفته است. این خود دلیل دیگری بر پشتیبانی احزاب حاکم طی ۱۰ سال گذشته از تروریستها می باشد. این حتی به بازی گرفتن جان دهها قربانی حادثه اخیر است که در آن قربانیان در اسارت چاقوکشان باند اسلامی سرشان از تنش جدا گردید و اعضای بدنشان با قساوت قطعه قطعه گردید. اتحادیه میهنی علیرغم قربانی کردن هزاران نفر از افراد خود در راه ساخت و پاختنهای از این قبیل، اینبار نیز در بوته آزمایش دیگری قرار گرفت تا نشان دهد که آیا بعد از جنایت ۲۳ سپتامبر چه سیاستی را در مقابل تروریسم اسلامی در پیش می گیرد؟ آیا ذره ای به خواست و صدای اعتراض مردم و حتی صفوف خود توجهی دارد؟ و یا باز

خواست و سرنوشت جامعه را فدای سازش با این باندها و جمهوری تروریست اسلامی می کند؟ آنچه محرز است این بار هم همان سناریوی قدیمی تکراری گردد.

این سیاست اتحادیه میهنی دقیقاً به اندازه تروریسم اسلامی در قبال جامعه و مردم کردستان مضر و تهدیدآمیزی باشد به همین دلیل باید از جانب توده های مردم جدی گرفته شود و مورد نفرت همان امواج اعتراضی قرار گیرد که خود تروریسم اسلامی را در بر گرفت. این سیاست را نمی توان از تهدید تروریسم اسلامی جدا کرد. به همین جهت حتی صفوف اتحادیه میهنی اگر ذره ای جانب حقیقت را بگیرند و ارزشی برای جان بیش از ۴۰ نفر از افراد خود قائل شوند، باید این سیاست را مورد نفرت قرار داده و ندای اعتراض سر دهند.

فراخوان ما به مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران و مردم ترقیخواه، تشکلهای و محافل مختلف، احزاب و جریانهای ضد تروریسم و ارتجاع در کردستان و نیز افکار مترقی جهان این است که به همان اندازه که تروریسم اسلامی باید جدی گرفته شود و صف مبارزه علیه آن گسترده تر گردد، سیاست اتحادیه میهنی که به مثابه کمک و میدان دادن به تروریسم است نیز باید جدی گرفته شده و با آن به مقابله برخاست. هر انسان و هر نیرویی که احساس مسئولیتی در قبال سرنوشت و آسایش زندگی مردم داشته باشد نمیتواند و نباید در مقابل این مسئله ساکت باشد. لازمست اتحادیه میهنی را ناچار به ترک این سیاست نمود.

جا دارد صفوف اتحادیه میهنی هم با مشاهده این اوضاع تکانی بخورند و در برابر این سیاست رهبریشان از خود عکس العمل نشان دهند. تجربه تلخ اینبار

نیز نشان داد که اتحادیه میهنی به اندازه سر سوزنی ربطی به منافع مردم ندارد و ذره ای برای جان اعضای خود اهمیت قایل نیست. پس تا کی می خواهند قربانی سیاست سازش و معامله گری اتحادیه میهنی

اینها نماینده مردم نیستند ادامه از صفحه ۲

عوامفریبانه است. اینها جزو مهره های این رژیم هستند و نه تنها شاهد جنایتهای آن بوده، بلکه خود به عنوان مهره رژیم عمل کرده و تأیید کننده اعمال آن بوده اند. اوضاع به ضرر رژیمشان عوض شده، اینها هم فرصت طلبانه به فکر رنگ عوض کردند. از اینکه دولت آنها را به بازی نمیگیرد و مورد مشورت قرار نداده ناراضی اند و با انگشت گذاشتن بر ارتجاع سنی گری و ناسیونالیستی ظاهراً میخواهند "قالب مردم پسندی" به حرکت خود بدهند. این شگرذ و حقه بازی فایده ندارد، این عوامفریبی را باید کنار زد و دلایل واقعی پشت مسئله را دید.

اینها صدای اعتراض مردم و تحریک مبارزاتی جدی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را لمس کرده اند. میدانند حکومتشان رفتنی است و عاقبت و آینده ای ندارد و میخواهند از آن فاصله بگیرند. میدانند با حضور در مجلس اسلامی و همکاری با رژیم در میان مردم چقدر منفورند. اینها با این مانورها در نظر دارند آینده ای برای خود دست و پا کنند و کارنامه سیاه همکاریشان با جمهوری اسلامی را سبک کنند.

مسئله دیگر چراغ سبزیست که از این طریق با حزب دمکرات و امثالهم رد و بدل میکنند. بی جهت نیست که عبدالله حسن زاده دبیر کل حزب دمکرات پیام آنها را گرفت و از این مزدوران رژیم به عنوان "نمایندگان مردم" حمایت کرد و از آنها خواست

با ارتجاع بشوند؟
ریبار احمد
دبیر کمیته مرکزی حزب
کمونیست کارگری عراق
۱۱ اکتبر ۲۰۰۱
این متن از کردی به فارسی
ترجمه شده است.

"بایستند و حق خود را بخواهند". اینها به این امید بستماند بعد از عمری خدمت به رژیم هار اسلامی، حزب دمکرات و ناسیونالیستهای از آنها اعاده حیثیت کنند. اینها متوجه نیستند که اوضاع عوض شده و مردم در کردستان آن درجه هوشیاری دارند که اجازه ندهند مهره ها و مزدوران جمهوری اسلامی نه به کمک حزب دمکرات و نه با علم کردن خرافه ناسیونالیسم و ارتجاع سنی گری خود را نجات دهند. اینها باید حساب پس بدهند و در دادگاهی مردمی محاکمه و مجازات شوند.

پستیچی- کلا بنظر میرسد در این یکی دو سال اخیر مقامات حکومت اسلامی، اجازه داده اند که فعالیتهایی تحت عنوان فعالیتهای سیاسی فرهنگی در استان کردستان بیشتر از پیش انجام گیرد. نظراتان در این باره چیست؟

رحمان حسین زاده - آنچه در این سالها به عنوان اقدامات و پروژه فرهنگی در کردستان معرفی شده چیزی جز یک پروژه سیاسی جهتدار رژیم نبود است. گویا با انتشار، مجله و روزنامه به زبان کردی و ایجاد یک نهاد رژیمی به نام "انستیتو کرد" رژیم در کردستان دیگر مشکلی نخواهد داشت. بیش از دو دهه مبارزه در کردستان باید این را به رژیم و عوامالش فهمانده باشد، که مسئله مردم کردستان سیاسی و طبقاتی و ضدیت با کلیت جمهوری اسلامی است. این مبارزه ایست علیه اسلام و حکومت اسلامی، علیه استبداد و اختناق، علیه فقر و فلاکت، علیه تبعیض و ستمگری ملی و هر نوع ستمگری دیگر و برای رفاه و آزادی و برابری. مانورهای ناسیونال



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قطعنامه در باره اوضاع افغانستان

فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر مساله افغانستان و طالبان را به یک مساله مبرم جهانی تبدیل کرد. حمله نظامی آمریکا و بریتانیا به افغانستان تحت عنوان مبارزه با تروریسم و دستگیری اسامه بن لادن، سرنگونی طالبان، این جریان فوق ارتجاعی اسلامی را که زندگی مردم افغانستان را به تباهی کشانده، بسیار محتمل کرده است.

بیش از دو دهه جنگ داخلی میان جریانات ارتجاعی، اسلامی، جنایتکار، گانگستر و قاچاقچی مواد مخدر، که با حمایت کامل نظامی، سیاسی، و اقتصادی دولتهای غربی و در راس آن آمریکا بر افغانستان حاکم گردیده اند، هر نوع مدنیته را در این کشور نابود کرده است. بیش از دو میلیون کشته، هزاران نفر معلول، میلیونها نفر آواره حاصل این جنگ خونین است.

مردم افغانستان تحت حاکمیت این جریانات، بویژه طالبان، از ابتدایی ترین حقوق خود محروم و وحشیانه سرکوب شده اند. زنان اولین قربانیان این باندهای مافیایی اسلامی اند، که ابتدایی ترین حقوق انسانی از آنان سلب شده و موقعیتشان تا حد یک برده تنزل پیدا کرده است.

با در نظر گرفتن شرایط فوق حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که:
۱- سرنگونی طالبان و رهایی

مردم افغانستان از این بختک اسلامی-مافیایی، خواست اکثریت عظیم مردم افغانستان، قدمی بجلو و پیش شرط دستیابی به یک جامعه آزاد و انسانی در افغانستان است.

۲- حمله نظامی آمریکا و بریتانیا به افغانستان علیرغم آنکه تحت عنوان مبارزه با تروریسم انجام گرفته است، نه تنها تروریسم را تضعیف نخواهد کرد، بلکه آنرا شدت میبخشد. این حمله بطریق اولی بخاطر دفاع از مردم افغانستان در مقابل طالبان نیست بلکه بدلیل تقابل با اسلام سیاسی و تروریسم عنان گسیخته این جنبش پس از ۱۱ سپتامبر در دستور آنها قرار گرفته است. طالبان و جریانات اسلامی را دولت آمریکا و غرب شکل دادند و به جان مردم افغانستان انداختند و خود اینها مهمترین مانع سقوط آن بودند.

۳- هرگونه حمله نیروهای آمریکا و موثلفین آن به مردم غیر نظامی افغانستان و تخریب شهرها و روستاها و زیرساختها و وسائل مادی زندگی شان محکوم است.
۴- موضع جریاناتی که از مخالفت درست و اصولی با میلیتاریسم آمریکا، به حفظ وضع اسفناک و جهنمی موجود و رها شدن مردم افغانستان زیر دست طالبان میرسند، پاشیفیستی است و در عمل به یک خواست انسانی و پیشرو پشت میکند.

۵- سازمان ملل مسئول حمایت همه جانبه از آوارگان افغانی است. ایران و پاکستان باید درهای

خود را بروی پناهندگان افغانی باز کنند. حق پناهندگی مردم افغانستان باید در کشورهای همجوار آن و در سطح بین المللی برسمیت شناخته شود، شرایطی انسانی برای آنان فراهم شود و حرمت آنها مصون بماند.

۶- هر نوع بند و بست دولت آمریکا، دولتهای غربی و منطقه برای حقنه کردن جریانات مرتجع پر مردم افغانستان، از جمله آلترناتیوهای قومی و اسلامی از قماش لویا جرگه و اتحاد شمال، غیرقابل قبول و محکوم است. مردم افغانستان باید بتوانند در یک شرایط آزاد دولت منتخب خود را سر کار بیاورند.

۷- سازمان ها، جریانات و مردم آزادیخواه، بشردوست و مترقی باید سازمان ملل و دولتهای غربی را تحت فشار بگذارند و خواهان آن شوند که ترتیبات سیاسی ای که در صورت سرنگونی طالبان در افغانستان حاکم میشود اصول زیر را بعنوان اصول پایه حقوق مردم افغانستان محترم شمرده و تضمین کند:

- الف) آزادی های سیاسی از جمله آزادی بیان، تشکل و عقیده؛
- ب) آزادی مذهب و بی مذهبی؛
- ج) حقوق فردی و مدنی کلیه مردم؛
- د) برابری زن و مرد؛
- ه) لغو قوانین ضد زن موجود؛
- و) برقراری یک دولت سکولار غیرمذهبی- غیرقومی؛

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ مهر ۱۳۸۰ - ۱۵ اکتبر ۲۰۰۱

بمباران افغانستان باید سریعاً متوقف شود!

بیش از یک هفته است که نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا افغانستان را بمباران میکنند. طی این بمباران ها دهها نفر از مردم غیرنظامی کشته و مجروح شده اند. حزب کمونیست کارگری ایران هرگونه حمله به مردم غیر نظامی و تخریب شهرها و روستاها و زیرساختها و وسائل مادی زندگی مردم را قاطعانه محکوم میکند. بمباران افغانستان باید سریعاً متوقف شود. حزب کمونیست کارگری تمام احزاب و جریانات و مردم آزادیخواه و انساندوست را فرامیخواند تا به مبارزه برای متوقف کردن بمباران افغانستان و تحت فشار گذاشتن دولتهای آمریکا و بریتانیا دست بزنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مهر ۱۳۸۰ - ۱۶ اکتبر ۲۰۰۱

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

اینها نماینده مردم نیستند

ادامه از صفحه ۳

در میان مردم. رژیم که خود بر مردم تحمیل شده است و طبعاً همه دم و دستگاه آن و از جمله مجلس اسلامی هم تحمیلی است و ارگانی برای ضدیت با مردم است. در ایران انتخابات آزادی وجود ندارد تا نماینده مردم انتخاب شود. اینها مهرها و همکاران دلسوز اینها هستند که در یک نمایش رژیم در کردستان که در یک متنوعتر رژیم فاشیست بحث در همین زمینهای به اصطلاح فرهنگی هیچوقت نتوانست معضل سیاسی کردستان عراق را حل کند. تب و تاب دوران اولیه این پروژهها در میان ناسیونالیستها هم خوابیده و مقبولیت اجتماعی پیدا نکردند.

پستچی - بطور کلی نظر شما در خصوص اینکه آیا اینها نمایندگان واقعی مردم کردستان هستند یا خیر چیست؟

رحمان حسین زاده - واضح است که نماینده مردم نیستند، بلکه بر عکس نماینده رژیمند



نوارهای سخنرانی منصور حکمت

در انجمن مارکس:

آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است

در سایت:

www.marxsociety.com

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com